

The Legislative Scope of Civil Liability Arising from Internet Communications in Iranian Law and International Documents

1. Nazli Sabzali: PhD Student, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran
2. Amir Khajehzadeh*: Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. Email: Khajehzadeh.amir@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Alireza Hasani: Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

ABSTRACT

The issue of civil liability arising from Internet communications has always been a highly significant topic both domestically and internationally, consistently drawing the attention of legal policymakers. Given this significance, examining domestic and international laws in this area remains crucial. Furthermore, analyzing Iran's judicial practice concerning this matter can underscore its importance even more. In the European Union, this form of liability is based on strict liability. A notable reference for further clarification is the European Union Directive on Data Protection (October 24, 1995), whose primary objective is to harmonize the laws of the Member States. According to this directive, Member States cannot reduce the level of protection set forth in the directive within their domestic laws concerning compensation and civil liability. To this end, Chapter III of the directive elaborates on enforcement measures, liabilities, and judicial remedies (Articles 22 to 24). Another relevant document is the European Directive of July 12, 2002, which serves as a supplement to the aforementioned directive. Additionally, the European Directive of March 15, 2006, was enacted to ensure security and prevent criminal activities, addressing compensation for damages incurred by individuals in cyberspace. In Iranian law, this type of liability can be inferred from provisions in the Civil Code, the Civil Liability Act, and the Electronic Commerce Act, including Article 78, which pertains to compensation for damages. This article explicitly refers to compensation for damages arising from transactions and Internet communications by both natural and legal persons. Accordingly, one of the primary objectives of the present study is to examine the legislative scope of civil liability arising from Internet communications in Iranian law and international documents using a descriptive-analytical method. The findings indicate that the legislative scope of this liability is reflected in Iranian laws and judicial practice, as well as in international legal instruments and statutes.

Keywords: *utilization, transboundary rivers, international law, water resources, principle of equity*

How to cite: Sabzali, N., Khajehzadeh, A., & Hasani, A. (2025). The Legislative Scope of Civil Liability Arising from Internet Communications in Iranian Law and International Documents. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-16.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 01 March 2025
Revise Date: 07 April 2025
Accept Date: 15 April 2025
Publish Date: 16 January 2026



قلمرو تقنینی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

۱. نازلی سبزعلی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران
۲. امیر خواجه زاده*: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. پست الکترونیک: Khajehzadeh.amir@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. علیرضا حسینی: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

چکیده

موضوع مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی همواره یکی از موضوعات بسیار مهم داخلی و بین‌المللی است که همواره مورد توجه سیاست‌گذاران قانونی قرار گرفته است. با توجه به این موضوع، بررسی قوانین داخلی و بین‌المللی در عرصه این نوع مسئولیت همواره از اهمیت برخوردار خواهد بود. از جهاتی نیز بررسی رویه قضایی ایران در این خصوص می‌تواند اهمیت موضوع را دو چندان نماید. در اتحادیه اروپا نیز در این خصوص مسئولیت مبتنی بر مسئولیت مطلق می‌باشد که جهت تبیین بهتر می‌توان به دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره حمایت از داده (۲۴ اکتبر ۱۹۹۵) اشاره نمود که هدف اصلی این دستورالعمل ایجاد هماهنگی میان قوانین کشورهای عضو اتحادیه می‌باشد که طبق این دستورالعمل در حوزه جبران خسارت و مسئولیت مدنی، کشورهای عضو نمی‌توانند سطح حمایت مورد نظر دستورالعمل را در قوانین داخلی خود کاهش دهند. به همین منظور در فصل سوم این دستورالعمل به تبیین ضمانت اجراها، مسئولیت‌ها و جبران خسارت‌های قضایی (مواد ۲۲ الی ۲۴) پرداخته شده است. مورد دیگر، دستورالعمل اروپایی (۱۲ ژوئیه ۲۰۰۲) می‌باشد که مکمل دستورالعمل فوق‌الذکر است و مورد بعدی دستورالعمل اروپایی (۱۵ مارس ۲۰۰۶) می‌باشد که هر دو در جهت حفظ امنیت و پیشگیری از اعمال مجرمانه تدوین گردیده‌اند و در آن به جبران خسارت وارده به افراد در فضای اینترنتی اشاره شده است. در حقوق ایران، این مسئولیت را از مواد قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و قانون تجارت الکترونیکی از جمله ماده ۷۸ آن که در باب جبران خسارت می‌باشد و در آن به جبران خسارت وارده در بستر مبادلات و ارتباطات اینترنتی از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی اشاره می‌نماید می‌توان استنباط نمود. علی‌هذا یکی از اهداف مهم در نگارش مقاله حاضر، بررسی قلمرو تقنینی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی با روش توصیفی-تحلیلی است که به این نتیجه دست یافتیم که قلمرو تقنینی این نوع مسئولیت در حقوق ایران در قوانین و رویه قضایی و در عرصه اسناد بین‌المللی نیز در قوانین و اساسنامه‌ها تبلور یافته است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، قانون تجارت الکترونیک، دستورالعمل اتحادیه اروپا، حقوق ایران، اسناد بین‌المللی.

نحوه استناددهی: سبزعلی، نازلی، خواجه‌زاده، امیر، و حسینی، علیرضا. (۱۴۰۴). قلمرو تقنینی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱-۱۶.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۱ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۸ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۶ دی ۱۴۰۴

ارتباطات اینترنتی به عنوان یک پدیده جهانی متحول، مسائل حقوقی مختلفی را در کشورهای مختلف جهان و از جمله در کشور ما مطرح کرده است، تلاش‌های زیادی نیز از سوی حقوقدانان و قانونگذاران برخی کشورها برای حل این مسائل صورت گرفته ولی هنوز حقوق اینترنت رواج کافی نیافته و در حال شکل‌گیری است. مقاله حاضر به یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین مسایل حقوقی اینترنت یعنی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی می‌پردازد تا فعالیت‌های زیانبار در این عرصه را معرفی و قواعد و اصول حاکم بر آن را تا حد ممکن تشریح کند به همین منظور با مطالعه و استقراء در آثار حقوقی قوانین مقررات و رویه قضایی آن دسته از کشورهایی که در پاسخگویی به مسائل حقوقی مربوط به ارتباطات اینترنت نسبت به سایرین پیش قدم بوده‌اند (Ansari, 2003). به طور کلی در مقاله پیش رو به بررسی تحولات تقنینی از من باب قلمرو تقنینی از دیدگاه حقوق اسناد بین الملل و حقوق ایران پرداخته خواهد شد.

۱- قلمرو تقنینی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در حقوق ایران

در این قسمت به بررسی قلمرو تقنینی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا پرداخته می‌شود.

۱-۱- قانون مدنی

موضوع مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی به صورت مستقل در قانون مدنی مورد اشاره قرار نگرفته است و تنها در این خصوص می‌توان به عمومات مواد قانون مدنی مراجعه نمود. ماده ۳۰۷ قانون مدنی، منابع و موجبات تحقق مسئولیت را منحصرأ احصا کرده است. بنابراین، عمل موضوع مسئولیت مدنی غالباً مصداق یکی از موارد مذکور در این ماده خواهد بود. به جز در مورد غصب که به عقیده حقوقدانان از حیث مبنا و قلمرو احکام با مسئولیت مدنی تفاوت دارد (Katouzian, 2003). سؤال این است که آیا این منابع قابل تطبیق با فضای سایبر نیز هست و اعمال ارتكابی در فضای سایبر نیز در قالب منابع مذکور در ماده قابل تبیین است؟ در این خصوص نظرات مختلفی قابل طرح است: در باب اتلاف: ماده ۳۲۸ قانون مدنی عنوان می‌دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است». مال، مفهوم وسیعی دارد و شامل اعیان، منافع، حقوق و عدم النفع مسلم نیز می‌شود. حقوق نیز خود به انواعی تقسیم می‌شود و شامل حق فرد بر تمامیت جسمی، حیثیت خانوادگی یا بر شهرت تجاری یا آزادی افراد و سایر حقوق مرتبط می‌شود. در اتلاف، از بین بردن مال، است حال آنکه فضای سایبر اساساً فضایی است که در آن «بالمباشرة» مستقیم یا به عبارت فقها ارتباط مستقیم و مبادرتی به معنی مرسوم قابل تحقق نیست. با این حال، باید دید آیا در فضای سایبر اصولاً تحقق مسئولیت مدنی از باب اتلاف امکان پذیر است یا خیر؟ یعنی مثلاً آیا ویروسی که یک هکر در شبکه اینترنت وارد کرده و از این طریق به اطلاعات و نرم افزارهای دیگری صدمه وارد کرده است، این صدمه از باب اتلاف است؟ یعنی مبادرتاً محسوب می‌شود و هکر مبادرتاً اتلاف است یا اینکه ویروس مزبور، واسطه میان هکر و خسارت وارده است که در این صورت باید عمل زیان زننده را تحت باب تسبیب یا «اتلاف بالتسبیب» بررسی کرد؟ فایده این بحث، زمانی ظهور پیدا خواهد کرد که توجه شود که در حقوق ایران، اتلاف و تسبیب، دو منبع مستقل ایجاد مسئولیت مدنی هستند و از گذشته، قواعد و شروط این دو منبع برای تحقق مسئولیت مدنی متفاوت است. برای مثال در باب تسبیب به عقیده برخی از حقوقدانان، تقصیر، رکن تحقق مسئولیت است و بدون آن اصولاً مسئولیت مدنی از باب تسبیب قابل تحقق نیست، درحالی که در باب اتلاف، برای تحقق مسئولیت، نیازی به تقصیر عامل زیان نیست (Katouzian, 2003). به نظر می‌رسد که می‌توان برخی از افعال زیانبار در فضای سایبر را مصداق باب اتلاف دانست از جمله

نقض کپی رایت و نقض علائم تجاری. ایرد عدم امکان تحقق مباشرت به اتلاف در فضای سایبر نیز قابل پذیرش نیست چون آنچه میان اتلاف و تسبیب تفاوت گذارده است صرفاً نقش مستقیم یا غیرمستقیم عامل زیان در این باره است (Bojnourdi, 1992). و مباشرت یا عدم مباشرت عامل زیان را باید با توجه به خصوصیات فضای فعل ارتكابی لحاظ کرد و در خصوص فضای سایبر با توجه به اقتضائات خاص آن می توان گفت مباشرت به این شکل قابل تحقق است (Malakouti & Savari, 2016). در باب تسبیب: در باب تسبیب، علت ضرر، عاملی است که با زیان رابطه غیرمستقیم دارد. در مواردی که «هو التسبیب کل ما يحصل التلف عنده بغیرالعله» (Makarem Shirazi, 1995) در مواردی که کاربر مثلاً از طریق انتشار ویروس، اقدام به تخریب سیستم امنیتی یا اطلاعاتی شخص ثالث می کند، ویروس، واسطه میان هکر و خسارت وارده قرار می گیرد و در نتیجه هکر مسبب به شمار می آید نه مباشر و عمل او مصداق ماده ۳۳۱ قانون مدنی خواهد شد که مقرر می دارد: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل و قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص آن بر آید». البته نباید تصور شود که به خاطر مجازی بودن این فضا و عدم امکان ورود مستقیم و بلاواسطه اشخاص در آن، امکان تحقق مسئولیت مدنی از باب سایر منابع مانند اتلاف و... منتفی است و هر خسارتی را باید از باب تسبیب لحاظ کرد. چنین نتیجه ای با مفهوم فضای سایبر هم خوانی ندارد و موجب بلااجرا ماندن بسیاری از قواعد مهم مسئولیت مدنی در این حوزه خواهد شد. به نظر می رسد همان ملاکی که در جهان واقعی در مورد تشخیص رابطه سببیت وجود دارد، در فضای سایبر نیز مورد استفاده است. بلکه در این مورد، تنها باید به اقتضائات این فضا نیز توجه داشت (Malakouti & Savari, 2016).

۱-۲- قانون جرایم رایانه ای

در قانون جرایم رایانه ای بیش از آنکه به مسئولیت مدنی پرداخته شود به موضوع مسئولیت کیفری پرداخته شده است هر چند در این راستا می توان خسارتی که ناشی از جرایم رایانه ای وارد می گردد را قابل جبران عنوان نمود. مسئولیت اعم از کیفری و مدنی، مستلزم پاسخگویی شخص مسئول است و این پاسخگویی یا به دلیل تقصیر است یا به دلیل وارد کردن زیان، مخاطب پاسخ نیز یا جامعه است یا زیان دیده و هدف از آن هم یا بازدارندگی و تنبیه شخص مسئول است یا به حالت اول برگرداندن وضعیت زیان دیده. البته در نظام های حقوقی قدیمی، موارد و هدف های فوق الذکر از هم تفکیک نشده بود و مجازات فرد مسئول هم هدف بازدارندگی داشت و هم موجب جبران خسارت (Badbini, 2005) و همین گذشته مشترک تنها نقط عطف مفاهیم مسئولیت مدنی و کیفری است، از اواخر قرن هجدهم در اکثر نظام های حقوقی مسئولیت کیفری و مدنی هم از لحاظ مقررات و هم از لحاظ هدف ها و مبانی از هم تفکیک شده اند (Razavi Fard & Mousavi, 2016). برای مثال نقض حریم خصوصی علی رغم آنکه جرم است، دارای مسئولیت مدنی نیز می باشد.

قانون جرائم رایانه ای در سال ۱۳۸۸ برای تعیین مصادیق استفاده مجرمانه از سامانه های رایانه ای و مخابراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به دنبال آن کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه بر اساس ماده ۲۲ این قانون تشکیل شد. اعضای این کمیته شامل وزیر یا نماینده وزارتخانه های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صداوسیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون حقوقی و قضایی و تأیید مجلس شورای اسلامی است و ریاست کمیته به عهده دادستان کل کشور قرار گرفت. فهرستی از مصداق های محتوای مجرمانه توسط این کمیته در دی ماه ۱۳۸۸ ارائه شد. این فهرست در پنج فصل در بخش های «محتوای خلاف عفت و اخلاق عمومی، محتوای علیه مقدسات،

محتوای علیه امنیت و آرامش عمومی، محتوای علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای و سایر جرائم» تهیه شده است که تحت عنوان قانون جرائم رایانه‌ای عنوان گرفت. علاوه بر بخشی از این فهرست که در قانون مجازات اسلامی نیز آمده است، در برخی موارد نیز که معلول جرائم جدید به وجود آمده به دلیل فضای منحصر به فرد مجازی است مصادیق تازه‌ای ارائه شد و برای آن‌ها جرم و مجازات تعریف گردید (["Maher Center News," 2022](#)).

ماده ۱ این قانون، نقض اصل تحصیل مشروع و مجاز را جرم انگاری کرده و مقرر می‌دارد: «هر کس به طور غیر مجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است، دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». این ماده با هدف حمایت همه جانبه از اقدام اشخاص در اتخاذ تدابیر امنیتی برای سیستم یا داده‌های خود، دسترسی غیر مجاز را به صورت ساده جرم انگاری کرده است. در این راستا از آنجایی که هکرها و کراکرها دارای امکانات هستند و جزای نقدی صرف قدرت پیشگیری ندارد مجازات حبس نیز پیش بینی شده است. ماده ۲ این قانون نیز نقض اصل تحصیل منصفانه داده‌ها را جرم انگاری نموده و مقرر می‌دارد: «هر کس به طور غیر مجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». شنود در فضای سایبر به معنای دریافت داده‌های در حال انتقال یا به هر نحوی دسترسی به آن‌هاست. منظور از داده نیز در قانون فوق هر نمادی از واقعه اطلاعات یا مفاهیم قابل پردازش در سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی است و گستره مصادیق آن بسیار وسیع است. منظور از ارتباطات غیر عمومی ارتباطی است که در مرئی و منظر عموم نباشد و همگان از محتوای داده‌های در حال انتقال اطلاع نیابند ([Ahmadi Nator & Aghababaei, 2016](#)).

جرم ماده ۱۶ این قانون با نقض عامدانه اصل کیفیت داده‌های شخصی در مرحله پردازش و اصل پردازش صادقانه با تغییر داده‌های درست یا تولید داده‌های نادرست صورت می‌گیرد. بنابراین این تصاویر یا فیلم‌ها یا صداها ممکن است واقعی باشند و از روی نسخه واقعی به این شکل درآمده باشند یا غیر واقعی بوده ولی کاملاً شبیه به تصویر فیلم و صدای یک یا چند شخص معین باشند و اگر صدا یا تصویر یا فیلم با یکدیگر جمع شوند، تغییر یا تحریف یکی از آن‌ها برای تحقق موضوع مجرمانه با تحقق سایر شرایط کافی است ([Amel Najafabadi, 2008](#)). البته این جرم یک جرم مقید به نتیجه است و این عمل حتماً باید به صورت عرفی موجب هتک حیثیت شخص بشود تا قابل مجازات باشد. هرچند عموماً ناظران این صحنه‌ها این محتویات را به صاحبان اصلی آن‌ها منتسب نمی‌دانند اما این گونه محتویات موجب اهانت به اشخاص و تزلزل حرمت شخص می‌شود. فضای سایبر در این زمینه به اندازه‌ای مساعد است که اکنون هر تصویری را که در ذهن انسان می‌گنجد می‌توان در آن یافت. این ماده مقرر می‌دارد: «هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که صرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره: چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد». ماده ۱۷ این قانون نیز نقض اصول راجع به افشاء و انتقال داده‌ها را جرم انگاری کرده و مقرر می‌دارد: «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». لازم به ذکر است

که در پیش نویس های لایحه این قانون، دامنه مصادیق اسرار شخصی گسترده تر بود ولی در متن قانون از شمول حمایت خارج شده اند و فقط صوت، تصویر و فیلم مشمول مواد فوق قرار گرفته اند. از نص این ماده بر می آید که شخص منتشر کننده بایستی رضایت شخص را قبل از انتشار صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی وی به دست آورد و این رضایت بایستی در زمان انتشار یا افشاء حاصل شده باشد و این تکلیف بر عهده منتشر کننده اطلاعات فوق است و نباید تصور شود که صاحب اسرار باید عدم رضایت خود را در انتشار یا در دسترس قرار دادن اسرار خصوصی به منتشر کننده اعلام نماید. این جرم نیز جرمی مقید است و باید ایراد ضرر یا هتک حیثیت عرفی در آن صورت گیرد (Mohseni, 2010). در حقیقت می توان گفت که این ماده، از حریم خصوصی به عنوان حریم خصوصی حمایت نکرده است، بلکه در صورتی که اعمال مذکور منجر به ضرر یا هتک حیثیت عرفی شخص گردد از حقوق وی حمایت می کند (Ahmadi Nator & Aghababaei, 2016). به طور کلی علی رغم آنکه به موضوع مسئولیت مدنی در قانون جرایم رایانه ای اشاره نگردیده است ولیکن می توان عنوان نمود که جرایم رایانه ای مسلماً قابلیت جبران در صورت ورود ضرر و تحقق سایر شرایط مسئولیت مدنی را خواهد داشت به صورتی که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جبران خسارت مورد پیش بینی قرار گرفته است.

۱-۳- قانون مسئولیت مدنی

مواد مختلف قانون مسئولیت مدنی را می توان در راستای اضرار ناشی از ارتباطات اینترنتی مورد بررسی و مطالعه قرار داد. به عنوان مثال، بر اساس ماده یکم قانون مسئولیت مدنی: شخص، مسئول خساراتی است که «بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی» به دیگران وارد می کند. به سخن دیگر زیان دیده باید اثبات کند که ضررهای وارده بر وی، نتیجه تقصیر فاعل زیان است و بین خسارات وارده و تقصیر فاعل زیان رابطه سببیت عرفی برقرار است (Ghasemzadeh, 2011). بنابراین هرگاه شخصی در راستای ارتباطات اینترنتی اقدام به ورود ضرر در کنار سایر شرایط مسئولیت مدنی نماید در این راستا مسئول خسارات شناخته خواهد شد.

۱-۴- قانون تجارت الکترونیک

ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی عنوان می دارد: «هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم موسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، موسسات مزبور مسوول جبران خسارت وارده می باشند مگر این که خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود». در خصوص جبران خسارت به انحاء مختلف در نظام حقوقی ما مطالب بسیاری عنوان شده است و می توان گفت به طور کلی قاعده لاضرر و اصل تسبیب جزء مهمترین اصول در خصوص قبول مسئولیت و جبران ضرر و زیان یا خسارات ایجاد شده است، در حوزه تجارت الکترونیکی هم این اصول و قواعد جاری و ساری است به گونه ای که ملاحظه می گردد، در ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی در صورتی که سامانه ها و سیستم های رایانه ای دولتی و خصوصی به علت ضعف عملکرد چه در سطح نرم افزاری و چه سخت افزاری موجب ایجاد خسارت و ضرر و زیان به اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی گردند، می بایست این خسارت ایجاد شده را به نحو مطلوب جبران نمایند. ممکن است این سوال مطرح گردد که میزان خسارت چگونه باید محاسبه و تخصیص داده شود و چگونگی جبران آن به چه صورت خواهد بود؟ برای پاسخ به این سوال میتوان عملی ترین راه موجود را اینگونه توصیف کرد که تعیین خسارت می تواند به دو صورت خوداظهاری و یا با جلب نظر کارشناس صورت پذیرد، همچنین دادگاه ها و محاکم صالح می توانند در این مورد اقدامات لازم را مبذول نمایند، بحث مهم در جهت جبران خسارت ها در اینگونه موارد، استفاده از بیمه سایبری است، بیمه ای که در سالیان اخیر در بسیاری از کشورهای توسعه یافته پیاده سازی

و اجرا شده است. بیمه‌ها از دو منظر در جهت جبران خسارت می‌توانند کارگشا باشند، نخست آنکه کارشناسان فنی بیمه با نظارت‌های دقیق خود می‌توانند تا حد بسیار زیادی نقاط ضعف سیستم‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای را تشخیص و مشاوره‌های لازم را در خصوص مرتفع نمودن آن‌ها ارائه نمایند و دوم آنکه با توجه به ساز و کار جبران خسارت از سوی بیمه‌ها، مشتریان اینگونه خدمات رایانه‌ای می‌توانند با اعتماد و اطمینان اقدام به انجام اعمال تجاری نمایند، لذا پیشنهاد می‌شود در گام نخست از خدمات کارشناسی استفاده و در گام بعد و با ایجاد بیمه‌های سایبری از این بستر برای جبران خسارت استفاده گردد. در هر حال این نکته حائز اهمیت است که در صورت بروز چنین خساراتی دستگاه‌های دولتی، غیردولتی، عمومی و خصوصی مسئول جبران خسارت‌های ایجاد شده هستند که امید است با استفاده از نظر خبرگان این امر شاهد تحقق و جبران آن از سوی مراجع ذی صلاح باشیم (Nannakar, 2017).

۱-۵- قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان

خسارات قابل مطالبه در حقوق ایران عبارت‌اند از هرگونه خسارت مادی و معنوی از جمله هزینه‌های دادرسی و حق الوکاله اما درباره خسارت عدم‌النفع (منافع از دست رفته شخص مؤلف) ناشی از نقض حق مؤلف، وحدت رویه‌ای وجود ندارد و این مهم همچنان مبهم باقی مانده است (Weaver, 2013). نهایتاً شخص مؤلف می‌تواند با استناد به این مواد قانونی علیه شخص ناقض در محاکم طرح دعوی کند و جبران خسارت را خواستار شود:

ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مقرر می‌دارد: «هرگاه تخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی، شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند ما به التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود». ماده ۷ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی: «اشخاصی که عالماً و عامداً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تأدیه خسارت شاکی خصوصی به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد: ۱- کسانی که خلاف مقررات مواد یک و دو و سه این قانون عمل کنند. ۲- کسانی که اشیاء مذکور در ماده ۳ را که به طور غیرمجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادر کنند».

ماده ۸ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی: «هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند ما بهالتفاوت از اموال شخص حقیقی مسئول جبران می‌شود».

۱-۶- رأی‌های موردی

۱-۶-۱- رد مال تحصیل شده از طریق سامانه رایانه‌ای به عنوان جبران خسارت

شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران با استناد به ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ در مورخه ۱۳۹۳/۰۴/۱۸ در طی شماره رأی ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۰۴۱۴ چنین اصدار نموده است:

به موجب کیفرخواست تقدیمی از دادسرای عمومی و انقلاب تهران مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۷ آقای الف.ج. فاقد سابقه کیفری و آزاد با تودیع وثیقه متهم است به تحصیل مال نامشروع به توسل به سامانه‌های رایانه‌ای به طور غیرمجاز و نیز خیانت در امانت نسبت به کارت‌های عابر بانک تحویلی به نامبرده موضوع شکایت آقای ع.ی. (مدیرعامل شرکت الف.). بدین توضیح که متهم از کارکنان شرکت بوده که دستگاه‌های pos عابر بانک و رمزهای آن‌ها جهت تحویل به مشتریان و نصب آن‌ها در محل مورد نظر به متهم تحویل لیکن نامبرده به واسطه در اختیار داشتن

رمزهای کارت‌ها در قالب پرداخت الکترونیکی (خرید اینترنتی) و با دستگاه‌های خودپرداز مبادرت به سوءاستفاده‌های جزئی از آن‌ها نموده و تعدادی از کارت‌های تحویلی به ایشان نیز توسط وی تصاحب و از تحویل آن‌ها به مشتریان خودداری گردیده است. دادگاه با بررسی اوراق پرونده، ملاحظه شکایت شاکی، تحقیقات انجام شده توسط پلیس قضایی فاتب و اقرار متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و صورت‌جلسات گردش حساب‌های بانکی و کشف تعدادی کارت عابربانک متعلق به اشخاص ثالث در ید متهم و نظر به این‌که نامبرده در مرحله دادرسی حضور نیافته و دفاع مؤثر و موجهی ننموده است، لذا دادگاه انتساب بزه‌های مذکور به نامبرده را محرز دانسته و با استناد به ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای وی را به پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی و از جهت اتهام خیانت در امانت با استناد به ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی وی را به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم و اعلام می‌دارد. رأی صادره غیابی و ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و پس از آن در مدت بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان تهران می‌باشد.

واخواهی: در خصوص واخواهی آقای الف.ج. نسبت به دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۲۱۹۱۴۰۰۹۱۶-۱۳۹۱/۰۹/۲۶ که متضمن محکومیت وی به پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی به اتهام تحصیل مال نامشروع با توسل به سامانه‌های رایانه‌ای به طرز غیرمجاز و تحمل شش ماه حبس به اتهام خیانت در امانت می‌باشد؛ دادگاه با بررسی اوراق پرونده، ملاحظه شکایت شاکی و اسناد و مدارک ابرازی ایشان نظر به اقرار متهم و گزارش پلیس قضایی فاتب و نظر به این‌که از سوی واخواه دلیلی که موجبات نقض دادنامه واخواسته را فراهم نماید ارائه نگردیده و رأی موصوف بر اساس قوانین صادر گردیده، لذا با رد اعتراض معترض مستنداً به ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری دادنامه واخواسته را عیناً تأیید و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان تهران می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر: در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای الف.ج. نسبت به دادنامه شماره ۹۰۴ مورخ ۹۲/۰۹/۱۲ صادره از شعبه ۱۰۳۹ دادگاه عمومی جزایی تهران که با رد واخواهی از دادنامه شماره ۹۱۶ مورخ ۹۱/۰۹/۲۶ مشعر بر محکومیت مشارک به اتهام تحصیل مال نامشروع به بیست میلیون ریال جزای نقدی و به اتهام خیانت در امانت به شش ماه حبس رأی واخواسته تأیید گردیده است و نامبرده طی لایحه اعتراضیه اعلام نمود که با لحاظ اخذ رضایت از شکات و وضع تقاضای مساعدت دارد. هم‌چنین آقای ع.ی. (مدیر عامل شرکت الف.) به عنوان شاکی به عدم رد مال در رأی مذکور اعتراض نموده است اولاً تجدیدنظرخواه ردیف اول اعتراض مؤثری که موجبات نقض و بی‌اعتباری رأی صادره گردد و اساس آن را مخدوش سازد به عمل نیاورده است و رضایتی نیز اخذ و ارائه ننموده و از حیث رعایت تشریفات دادرسی نیز دادنامه مذکور اشکال مؤثری ندارد لیکن و در ثانی اعتراض تجدیدنظرخواه ردیف دوم وارد است چرا که دادگاه محترم علی‌رغم صراحت متن ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای سهواً متهم را به رد مال محکوم ننموده است، لهذا به استناد ماده مذکور و مواد ۲۵۰ و بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ضمن اصلاح مجازات تعیینی و الحاق رد مال در حق شاکی (به مبلغ ۱۱/۵۷۳/۶۳۳ ریال) به جزای نقدی مذکور دادنامه تجدیدنظرخواسته تأیید می‌گردد. این رأی قطعی است.

۱-۶-۲- تحصیل مال از طریق نامشروع و الزام به جبران آن

شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به استناد ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ در مورخه ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ در طی شماره رأی ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۱۱۹ چنین اصدار نموده است.

رای بدوی: به موجب کیفرخواست تقدیمی از دادسرای عمومی و انقلاب تهران آقای م.ص. فرزند م.، ۳۲ ساله، بیکار، باسواد، مجرد، بازداشت به لحاظ عجز از معرفی کفیل از تاریخ ۹۱/۱۰/۴ متهم است به تحصیل مال از طریق نامشروع به میزان ۵۱/۰۰۵/۰۰۰ ریال موضوع شکایت آقای الف.ف. با وکالت آقای ن.ن. بدین توضیح که حسب شکایت شاکی و تحقیقات و گزارش پلیس فتا فاتب متهم با دسترسی به شناسه‌های کارت عابر بانک شاکی و از طریق سامانه رایانه‌ای (اینترنت) مبادرت به انتقال وجه از حساب شاکی به حساب دیگری نموده است. دادگاه با بررسی اوراق پرونده، ملاحظه شکایت شاکی و مستندات ابرازی ایشان و نظر به اقرار مقرون به واقع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی هرچند در مرحله دادرسی منکر اقدام ارتكابی شده است و نظر به اینکه حسب پاسخ پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات انتقال از طریق آی‌پی متعلق به متهم انجام گرفته است و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده از جمله اقدام مشابه متهم با مشارکت افراد دیگری که منجر به تشکیل پرونده علیه آنان در مرجع قضایی دیگری گردیده، دادگاه توجهاً به اقدام ارتكابی متهم که در واقع استفاده غیرمجاز از سامانه رایانه‌ای است که منجر به بردن مال متعلق به دیگری شده است و نظر به اینکه ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای با ذکر مصادیق تمثیلی استفاده غیر مجاز از سامانه رایانه‌ای، بردن مال از این طریق را جرم‌انگاری نموده است لذا دادگاه اقدام مرتکب را مصداق بزه ماده قانونی دانسته و با رد ماده استنادی دادسرا با تغییر عنوان اتهامی از تحصیل مال از طریق نامشروع به بردن مال متعلق به دیگری با استفاده غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای مستنداً به ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای با رعایت تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و رأی وحدت رویه ناظر بر این تبصره به شماره ۱۳۹۰/۷/۱۰-۶۵۴ وی رابه پرداخت یکصد میلیون ریال جزای نقدی با احتساب ایام بازداشت قبلی و رد مبلغ ۵۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شاکی محکوم و اعلام می‌دارد. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان تهران می‌باشد.

رأی دادگاه تجدید نظر: تجدیدنظرخواهی آقای م.ص. از دادنامه شماره ۱۱۰۳ مورخ ۹۱/۱۱/۱۸ شعبه ۱۰۳۹ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن به اتهام استفاده غیرمجاز از سامانه رایانه‌ای و بردن مال غیر (آقای الف.ف.) از این طریق به پرداخت مبلغ یکصد میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده وارد و موجه نمی‌باشد زیرا با توجه به شکایت شاکی و پرینت حساب وی و اینکه حسب محتویات پرونده محرز است که تجدیدنظرخواه با استفاده از آی‌پی که به نام خانم الف.ع. درست نموده مبادرت به برداشت از حساب شاکی نموده است، لذا دادنامه تجدیدنظرخواسته از حیث احراز مجرمیت و انطباق عمل ارتكابی با قانون و تعیین مجازات بدون اشکال می‌باشد و ضمن رد اعتراض به استناد بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

۲- قلمرو تقنینی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در اتحادیه اروپا

سازمان ملل متحد به عنوان بزرگترین سازمان بین‌المللی که تقریباً تمامی کشورهای جهان عضو آن می‌باشند از همان ابتدای تأسیس (Mousazadeh, 2009) احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مقرر داشته است و در بند ۳ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد^۱ در بیان اهداف مقرر می‌دارد: تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، یا مذهب و (Dowlatshah, 2009)... پس به نیکی پیداست که یکی از اهداف اساسی این سازمان توجه به حقوق بشر می‌باشد که مصداق بازاری از آن نیز موضوع آزادی اطلاعات از جمله در رسانه‌های فضای مجازی است. مسئله این است که آیا آزادی اطلاعات می‌تواند در راستای اضرار

¹ United nations organization charter

به اشخاص دیگر شکل گیرد؟ آزادی اطلاعات در اسناد بین المللی زیادی مورد توجه بوده است که نمی توان آن را به فضای حقیقی محدود نمود، بلکه همین اسناد در فضای مجازی و سایبری نیز مصداق خواهند داشت و بهترین مصادیق خود را در این عرصه خواهند دید؛ چرا که این فضای جدید بر پایه اطلاعات به وجود آمده است و بستر بسیار مناسبی برای این موضوع می باشد. اگر اشخاص در این فضا اقدام به نقض حقوق دیگران نمایند و خسارتی به اشخاص وارد گردد، فرد قاصر ملزم به جبران خسارت است. البته خود بحث آزادی اطلاعات در فضای سایبر نیز در اجلاس های دوگانه سران درباره جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۳ در ژنو و ۲۰۰۵ در تونس مورد توجه بوده است ولیکن به خسارات احتمالی آن توجه ای نگردیده است (Hosseinpour & Sabernejad, 2015).

۲-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱

یکی از اسناد بین المللی که در راستای حمایت از آزادی بیان و جایگاه آن، مقرره ای را بیان داشته است اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشد در واقع این اعلامیه اولین سندی است که در سال ۱۹۴۸ مصوب گردیده و به حمایت از این موضوع پرداخته است. در ماده ۱۹ این اعلامیه که در بخش اول تحت عنوان آزادی عقیده و بیان آمده است درباره آزادی بیان مقرر نموده که: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد (Hosseinpour & Sabernejad, 2015). متأسفانه در اعلامیه فوق نیز به موضوع مسئولیت احتمالی ناشی از آزادی بیان اشاره ای نگردیده است و تنها به حق و اصل بودن آزادی بیان اشاره گردیده است.

در مقدمه این اعلامیه آمده است که قلمرو این مقررجه جهانی می باشد و تمامی افراد بشری نیز هر کجا باشند و صرف نظر از دولت هایی که بر آن ها حکومت می کند می توانند از آن مستفیض گردند. از سویی دیگر باید دانست که آزادی اطلاعات که در ماده ۱۹ این اعلامیه مورد توجه می باشد یکی از حقوق بنیادین بشری است که از ارتباط عمیقی با کرامت ذاتی تمام انسان ها برخوردار می باشد. ماده مذکور اطلاعات را به مثابه اکسیژن دموکراسی توصیف می کند.^۲ حال این یک موضوع چندان پیچیده نیست که ما آزادی اطلاعات را در فضای سایبر مورد توجه و مطالعه قرار دهیم چرا که این فضا نیز برای حیات دموکراسی در آن نیازمند وجود آزادی اطلاعات می باشد و بالطبع همین سند بین المللی نیز بر آزادی اطلاعات در این فضا مستولی خواهد گشت. البته باید دانست که بدیهی است این اعلامیه به همان اندازه قوی و الزام آور خواهد بود که تعهدات مندرج در معاهدات ممکن است باشند؛ اما اعلامیه حاضر در قالب قطعنامه ای از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تدوین شده که ارزش حقوقی توصیه^۳ دارد این اعلامیه در حکم گسترش و تفسیر منشور^۴ است و حقوق بشر را به صورت حقوق موضوعه مستقل وارد حقوق بین الملل کرده است (Cullen, 1999). با توجه به این موضوع، نیاز بود که به خسارات احتمالی آزادی بیان نیز اشاره ای می گردید. هر فردی در فضای مجازی نمی تواند اقدام به توهین، افترا و... زند و با استناد به آزادی بیان از حق خویش سوء استفاده نماید.

۲-۲- آژانس حمایت از داده های فرانسه

کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی های فرانسه، در به رسمیت شناختن «حق بر فراموش شدن» در انطباق با اصول حمایت از داده ها پیشگام بوده است. کمیسیون اعلام می دارد: «بی شک در عصر کنونی، اصول مندرج در قانون ۶ ژانویه ۱۹۷۸ بیش از گذشته به فعلیت نزدیک شده

^۱ The universal declaration of human rights, 10 December 1998

^۲ The public right to know: principles on freedom of information legislation, London, 1999

^۳ Recommendation

^۴ رجوع شود به بند ۳ ماده یا منشور ملل متحد.

است. در عصر شبکه‌ها و فضای مجازی، اصول زیر از حمایتی افزون برخوردار است: اصل نظارت بر صحت داده‌های جمع آوری شده، محرمانگی اطلاعات اسمی، حق دسترسی و اصلاح، حق ممانعت و در نهایت، حق بر فراموش شدن.^۱ با گذشت زمان، کمیسیون با درک بیشتر از این مسأله که اصول حمایت از داده، بیش از هر چیز، مرتبط با ظهور شبکه‌های مجازی است، حمایت را به تارنها نیز تسری داد. در سال ۲۰۰۹ کمیسیون، بیانیه‌ای در شناسایی طبیعت اساسی «حق بر فراموش شدن» منتشر کرد (Zamani & Attar, 2016). «... اینکه اطلاعات راجع به اشخاص در فضای مجازی بماند و استمرار داشته باشد غیرقابل پذیرش و خطرناک است زیرا طبیعت انسانی اقتضا دارد که افراد در طی زمان تغییر کنند. همگان از حق حمایت از آزادی بیان و آزادی اندیشه و به تبع آن از حق تغییر نظر، مذهب، عقاید سیاسی، ارتکاب خطای جوانی و در نهایت، تغییر در زندگی برخوردارند. به همین جهت، کمیسیون از بحثی که در فرانسه راجع به موضوع مهم «حق بر فراموش شدن» مطرح شده است ابراز خرسندی می‌کند.» علاوه بر این، در فرانسه در طرح قانونی که سنا تصویب کرده اما هنوز در مجمع ملی به تصویب نرسیده است، به صراحت به حق بر فراموش شدن اشاره شده و بیان می‌دارد: «در مجموع، لازم به ذکر است که بسیاری از تدابیر اندیشیده شده در این طرح قانونی، امکان ترتیب اثر دادن، به حق بر فراموش شدن در فضای مجازی را فراهم کرده است؛ امکان اعمال آسانتر حق ممانعت، شهرت، حذف داده‌ها و مواردی که باعث می‌شود، داده‌ها از بین بروند، که این امر، امکان استفاده آسانتر و مؤثرتر از دادرسی مدنی، در مواردی که اعمال حق حذف داده‌ها، برای افراد، دشوار است را فراهم می‌آورد» (Zamani & Attar, 2016). بنابراین حق فراموش شدن نیز نمی‌تواند متناقض حقوق افراد دیگر گردد و از این رو اگر بر مبنای فراموش شدن اطلاعات دیگران خسارتی به اشخاص وارد گردد، این موضوع قابل جبران خواهد بود.

۲-۳- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲

این میثاق بر خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر که برای دولت‌های عضو چندان الزام آور نبوده است و حالت توصیه دارد؛ در واقع یک معاهده الزام آور حقوقی است که توسط مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۶۶ تصویب شده^۳ و با اقبال جهانی و عضویت کشورهای مختلف در آن روبرو شده است.^۴ در میثاق بین المللی فوق نیز جبران خسارت ناشی از ارتباطات اینترنتی به طور ضمنی مورد توجه قرار گرفته است و دولت‌هایی که ناشی از ارتباطات اینترنتی اقدام به ورود خسارت می‌نمایند، ملزم به جبران خسارت هستند.

در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به بحث آزادی بیان و آزادی اطلاعات پرداخته شده است در این ماده آمده است: «ماده ۱۹ بند ۱- هیچ کس را نمی‌توان به خاطر عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. بند ۲- هر کس حق آزادی بیان دارد این حق شامل آزادی تفحص، تحصیل، اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود می‌باشد.» از بیان ماده فوق الذکر به خوبی مشخص است که آزادی اطلاعات به طور محسوس در بند ۲ این ماده مورد حمایت قرار گرفته است. در واقع در همین ماده بحث اشاعه اطلاعات یا همان آزادی اطلاعات و دسترسی به اسناد دولتی تحت عنوان یکی از ملزومات آزادی عقیده و بیان مورد حمایت قرار گرفته است. نکته دیگری که در این ماده حایز اهمیت است و به چشم می‌آید بیان استثنائات آزادی اطلاعات است که در بند ۳ ماده مذکور آمده است در این مقرر بیان شده است که: ماده ۱۹ بند ۳: اعمال حقوق مذکور

1. CNIL, 20ème rapport d'activité, Paris, La Documentation Française, 1999, p. 6.

2. International convention on civil and political Right (I.C.C.P.R)

3. Resolution 2200 A(xxl) 16 decenter 1966, entered in to force 23 harch 1976

۴. دولت ایران نیز در تاریخ ۱۳۵۱/۱۸/۲۳ مجلسین به صورت قانونی به این میثاق الحاق شده است.

در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است. لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران.

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.»

که در میان این استثنائات نکته‌ای که حایز اهمیت است در بند «ب» مستتر می‌باشد و آن جایی است که سخن از امنیت و نظم عمومی به میان می‌آید که باید توجه کرد، از این موضوعات تعریف دقیقی ارائه نشده است و چنین استثناهایی راه را به تفسیر موسع آن‌ها خواهد گشود و بالطبع اصل آزادی اطلاعات را در وضعیت خطرناک نقض آن قرار خواهد داد؛ که به عقیده ما برای جلوگیری از این مسأله دو راهکار اساسی پیشنهاد می‌گردد: اول- این مسایل در حقوق و قانونگذاری داخلی کشورها به طور دقیق تعریف شود چرا که با مشخص نشدن حدود و ثغور چنین مسایلی مردم با محافظه کاری حق آزادی اطلاعات خود را مطالبه خواهند نمود و این محافظه کاری به دلیل گریز از بر چسب عدم میهن پرستی است. دوم- کنوانسیون‌های بین المللی به صورت ریزتر مصادیق چنین واژه‌هایی را برشمرند و به کلی گویی صرف قناعت نمایند (Hosseinpour & Sabernejad, 2015).

۲-۴- رهنمود تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا

نظام حقوقی عدم مسئولیت، امروزه در آمریکا به موجب قانون حق مؤلف هزاره دیجیتال و قانون سلامت ارتباطات، در اتحادیه اروپا به موجب دو رهنمود تجارت الکترونیک، در استرالیا به موجب قانون سازمان دهنده دیجیتال، در سنگاپور به موجب قانون حق مؤلف و در هند به موجب «قانون فناوری اطلاعات مصوب ۲۰۰۰» جریان دارد. این نظام حقوقی بیانگر این مطلب است که ارائه کنندگان خدمات اینترنتی تقریباً از مسئولیت در قبال ضرر و زبانی که دیگران ایجاد کرده اند، معاف خواهند بود همچنان که اطلاق عنوان «پناهگاه‌های امن» و در برخی از قوانین یاد شده، گویای همین نظام عدم مسئولیت می‌باشد. به دیگر سخن، این نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت ارائه کنندگان خدمات اینترنتی، بیش از آنکه بخواهد مبانی و یا قواعد کلی برای مسئولیت ارائه کنندگان خدمات بیان نماید به جای آن، تنها شرایطی ابراز داشته است که به موجب آن‌ها ارائه کنندگان خدمات اینترنتی می‌توانند از مسئولیت معاف گردند (Baistrocchi, 2002). البته به طور کل، شرط تکمیل این عدم مسئولیت، اعمال حداقل اقدامات احتیاطی پیشگیرانه برای جلوگیری از انجام عمل زیان بار در کنار نقش انفعالی ارائه کنندگان خدمات در جریان وقوع تخلف می‌باشد. این سیستم حقوقی هم در مورد مسئولیت مدنی و هم کیفری اعمال می‌گردد. لازم به بیان است که امتیاز معافیت از مسئولیت برای ارائه کنندگان خدمات اینترنتی تنها در برابر خسارات است نه برای معافیت از متوقف نمودن عمل زیان بار. در این سیستم بر اساس نوع خدمات ارائه شده توسط ارائه کننده خدمات شرایط بهره مندی از عدم مسئولیت پیش بینی شده است. بنابراین، در جایی که نقش ارائه کننده خدمات اینترنتی به عنوان صرف مجرای عبور اطلاعات به شمار می‌رود و یا به صرف ارائه خدمات دسترسی به شبکه می‌پردازد از مسئولیت رهایی خواهد یافت (ماده ۱۲ رهنمود تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا) و نیز در جایی که ارائه کننده خدمات به ارائه خدمات ذخیره موقت اطلاعات ذخیره سهل الوصول می‌پردازد (ماده ۱۳ رهنمود تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا). همچنین، در جایی که ارائه کننده خدمات اینترنتی به ارائه خدمات میزبانی می‌پردازد (ماده ۱۴ رهنمود تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا) اگر ارائه کننده خدمات به ارائه

خدمات مکان یابی اطلاعات بپردازد، اگر چه در رهنمود اتحادیه اروپا برخلاف قانون حق مؤلف موضوع ارائه پیوند مغفول مانده است ولی، در قانون حق مؤلف هزاره دیجیتال، برای ارائه کنندگان خدمات مکان یابی اطلاعات نیز امتیاز عدم مسئولیت مقرر شده است.^۱

در نتیجه در فصل حاضر مشخص گردید که مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا دارای قلمرو خاصی است که در مقررات و رویه قضایی هر کشوری تبلور گشته است. به طوری که این موضوع در حقوق ایران بر گرفته از قلمرو فقهی و حقوقی است و در سطح اتحادیه اروپا نیز، برگرفته از مقررات مختلفی است که در این زمینه وضع گردیده است. اما آنچه به چشم می‌آید، آن است که مقررات کامل و جامعی در این زمینه وضع نگردیده است که این خود مؤید عدم سیاست تقنینی مناسب است که می‌بایست وضع می‌گردید. از این رو این سیاست تقنینی ضعیف چه در حقوق ایران و چه در سطح اتحادیه اروپا می‌بایست تقویت گردد.

نتیجه‌گیری

در تبیین جایگاه مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در حقوق ایران می‌توان گفت که این نوع مسئولیت، به صورت مستقل در قانون مدنی مورد اشاره قرار نگرفته است و تنها در این خصوص می‌توان به عمومات مواد قانون مدنی مراجعه نمود. ماده ۳۰۷ قانون مدنی، منابع و موجبات تحقق مسئولیت را منحصراً احصا نموده است. بنابراین عملاً موضوع مسئولیت مدنی، غالباً مصداق یکی از موارد مذکور در این ماده خواهد بود. به جز در مورد غصب که به عقیده حقوقدانان از حیث مبنا و قلمرو احکام با مسئولیت مدنی تفاوت دارد. در قانون جرایم رایانه‌ای بیش از آنکه به مسئولیت مدنی پرداخته شود به موضوع مسئولیت کیفری پرداخته شده است هر چند در این راستا می‌توان خسارتی که ناشی از جرایم رایانه‌ای وارد می‌گردد را قابل جبران عنوان نمود. مسئولیت اعم از کیفری و مدنی، مستلزم پاسخگویی شخص مسئول است و این پاسخگویی یا به دلیل تقصیر است یا به دلیل وارد کردن زیان، مخاطب پاسخ نیز یا جامعه است یا زیان دیده و هدف از آن هم یا بازدارندگی و تنبیه شخص مسئول است یا به حالت اول برگرداندن وضعیت زیان‌دیده. مواد مختلف قانون مسئولیت مدنی را نیز می‌توان در راستای اضرار ناشی از ارتباطات اینترنتی مورد بررسی و مطالعه قرار داد. به عنوان مثال، بر اساس ماده یکم قانون مسئولیت مدنی: شخص، مسئول خساراتی است که «بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی» به دیگران وارد می‌کند. به سخن دیگر زیان دیده باید اثبات کند که ضررهای وارده بر وی، نتیجه تقصیر فاعل زیان است و بین خسارات وارده و تقصیر فاعل زیان رابطه سببیت عرفی برقرار است. بنابراین هرگاه شخصی در راستای ارتباطات اینترنتی اقدام به ورود ضرر در کنار سایر شرایط مسئولیت مدنی نماید در این راستا مسئول خسارات شناخته خواهد شد. ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی عنوان می‌دارد: «هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم موسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، موسسات مزبور مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند مگر این‌که خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود». خسارات قابل مطالبه در حقوق ایران عبارت‌اند از هرگونه خسارت مادی و معنوی از جمله هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله اما درباره خسارت عدم‌النفع (منافع از دست رفته شخص مؤلف) ناشی از نقض حق مؤلف، وحدت رویه‌ای وجود ندارد و این مهم همچنان مبهم باقی مانده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

^۱ ابهری، حمید؛ میری، حمید، ۱۳۹۱، پژوهشی تطبیقی پیرامون مسئولیت مدنی ارائه کنندگان خدمات اینترنتی با تأکید بر حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، س ۱، ش ۱، صص ۱۶-۱۵.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The issue of civil liability arising from internet communications has gained increasing importance in contemporary legal discussions, particularly given the global expansion of digital interactions. Various legal systems have adopted different frameworks to address liability in cyberspace, with international documents and national laws seeking to balance rights and responsibilities in the digital sphere. In Iranian law, the foundations of civil liability related to internet communications can be traced to general principles in the Civil Code, the Civil Liability Act, and the Electronic Commerce Act. Article 78 of the Electronic Commerce Act, for instance, explicitly addresses compensation for damages arising from electronic transactions and communications, highlighting the legislative framework's attempt to incorporate digital interactions within the broader legal system. Additionally, Iran's legal system places a significant emphasis on fault-based liability, where the injured party must establish causation and fault for compensation claims. In contrast, the European Union has adopted a stricter approach, particularly through its directives on data protection, such as the European Union Directive on Data Protection (1995), which introduced a harmonized liability framework across member states. This directive restricts individual nations from implementing domestic regulations that reduce the level of protection afforded under the directive. Furthermore, the European Directive of July 12, 2002, supplemented the 1995 directive by reinforcing obligations on data processors and controllers. Similarly, the European Directive of March 15, 2006, was established to address security risks and prevent criminal activities in cyberspace, including provisions for compensating individuals for harm suffered due to digital misconduct. The legal evolution in the European framework highlights a preference for strict liability mechanisms, contrasting with Iran's fault-based system, which often requires claimants to provide evidence of harm and causation ([Hosseinpour & Sabernejad, 2015](#)).

The theoretical foundations of civil liability in internet communications are deeply rooted in traditional legal principles but must be adapted to the digital era. Iranian law, drawing from classical legal doctrines, incorporates liability principles primarily through indirect legal provisions rather than through a comprehensive digital liability law. For example, Article 307 of the Civil Code identifies the sources of obligations, yet it does not explicitly address cyberspace-related liabilities. Scholars argue that existing legal concepts such as "loss causation" and "compensation principles" should be interpreted in light of contemporary digital challenges ([Katouzian, 2003](#)). The principle of loss causation (Tasabib) is particularly relevant, as it establishes liability for individuals who, through negligence or intentional actions, cause harm to another party. This concept has been applied in cyberspace, where issues such as hacking, data breaches, and cyber fraud are examined under general liability doctrines. In Iranian jurisprudence, there remains a debate on whether certain cyber-related harms, such as identity theft or data manipulation, should be classified under direct liability (Etlaf) or indirect liability (Tasabib). The distinction is crucial because direct liability cases require a lower threshold of proof compared to indirect liability, which necessitates evidence of intent or negligence. In contrast, European legal frameworks prioritize preventive measures, such as mandatory data protection policies, to mitigate risks before they materialize into legal claims. This

approach is evident in the implementation of the General Data Protection Regulation (GDPR), which imposes strict obligations on data handlers and allows for significant penalties for non-compliance. These regulatory measures shift the burden of liability from individuals to corporations, emphasizing consumer protection over individual fault-based liability (Bojnourdi, 1992).

Iranian law has also sought to address digital liabilities through the Cyber Crimes Act, which primarily focuses on criminal rather than civil responsibility. This act includes provisions for prosecuting online offenses such as unauthorized access, data theft, and cyber fraud, yet it does not comprehensively address the issue of compensatory damages for affected individuals. While Article 1 of the Cyber Crimes Act criminalizes unauthorized access to protected computer systems, it does not provide clear guidelines on compensatory mechanisms for victims. This legislative gap has resulted in inconsistencies in judicial rulings, where courts must rely on analogical reasoning to determine appropriate remedies. For instance, in cases involving financial losses due to cyber fraud, courts have referenced general civil liability principles rather than specific digital liability statutes (Ahmadi Nator & Aghababaei, 2016). This contrasts sharply with European legal approaches, where victims of cyber misconduct can seek redress through well-established consumer protection laws and data privacy regulations. The French Commission on Informatics and Liberties (CNIL) has played a leading role in shaping digital liability discourse, particularly with its advocacy for the "right to be forgotten," which enables individuals to demand the removal of personal data from online platforms. This right has been reinforced through court rulings, such as the European Court of Justice's decision in Google Spain SL v. Agencia Española de Protección de Datos, which established the legal precedent for digital data erasure. By comparison, Iranian law lacks specific provisions for digital reputation management, leaving victims with limited legal recourse for online defamation or unauthorized data exposure (Zamani & Attar, 2016).

International human rights instruments have also contributed to shaping the discourse on internet liability, particularly through the recognition of information rights and privacy protections. The Universal Declaration of Human Rights (1948) and the International Covenant on Civil and Political Rights (1966) both emphasize the right to privacy and freedom of expression, yet they do not provide detailed mechanisms for addressing internet-related liabilities. Article 19 of the International Covenant on Civil and Political Rights protects freedom of expression but allows for restrictions in cases where public security or individual reputations are at risk (Hosseinpour & Sabernejad, 2015). However, the challenge lies in defining the limits of digital expression without encroaching on fundamental rights. The European Convention on Human Rights has taken a proactive approach by balancing free expression with the protection of personal data, as seen in cases adjudicated by the European Court of Human Rights. For instance, in cases involving online harassment, European courts have imposed liability on website administrators for failing to remove harmful content, whereas Iranian courts have largely relied on criminal defamation statutes to address similar concerns. This divergence highlights the differing legal cultures surrounding digital responsibility, with European frameworks emphasizing institutional accountability and Iranian law focusing on individual culpability (Baistrocchi, 2002).

In examining regulatory responses, the European Union's E-Commerce Directive has introduced a tiered liability system for internet service providers (ISPs). Under this directive, ISPs are granted conditional immunity from liability for third-party content as long as they adhere to certain regulatory obligations, such as removing illegal content upon notification. This system creates a structured framework that encourages self-regulation among digital service providers while ensuring accountability for harmful online activities. In contrast, Iranian law lacks a formalized liability

structure for ISPs, resulting in ad hoc judicial decisions regarding their responsibility in cyber-related disputes. Without clear statutory guidance, Iranian courts have varied in their rulings on whether ISPs should be held liable for hosting illegal content. This legal ambiguity underscores the need for a comprehensive legislative framework that delineates the responsibilities of digital service providers and establishes clear compensation mechanisms for affected parties (Baistrocchi, 2002). In conclusion, the legislative scope of civil liability arising from internet communications in Iranian law remains underdeveloped compared to the more structured approaches adopted by international legal instruments. While Iranian statutes incorporate general liability principles, they lack specificity regarding digital harm and compensatory mechanisms. The reliance on traditional civil liability doctrines has led to interpretative challenges, requiring judicial discretion to bridge legal gaps. By contrast, European legal systems have established robust regulatory frameworks, such as the GDPR and E-Commerce Directive, to address digital liabilities comprehensively. These frameworks shift liability from individuals to corporations, fostering greater accountability among digital service providers. Moving forward, Iranian legal reforms should focus on establishing clearer statutory provisions that address emerging cyber risks while ensuring a balance between individual rights and institutional responsibilities. This would require integrating principles from international best practices while adapting them to Iran's unique legal and cultural context. A well-defined liability framework would enhance legal certainty, improve access to justice for victims of digital harm, and align Iranian law more closely with global regulatory trends.

References

- Ahmadi Nator, Z., & Aghababaei, Z. (2016). A Comparative Study of Crimes Against Privacy in Cyberspace in Iran and Germany. *Media and Culture*, 6(1).
- Amel Najafabadi, M. (2008). *Criminalization in Cyberspace*
- Ansari, B. (2003). An Introduction to Civil Liability Arising from Internet Communications. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*(66).
- Badbini, H. (2005). *Philosophy of Civil Liability*. Sherkat Sahami Enteshar.
- Baistrocchi, P. A. (2002). Liability of Intermediary Service Providers in the EU Directive on Electronic Commerce. *Santa Clara High Technology Law Journal*, 19, 111-134.
<https://digitalcommons.law.scu.edu/chtlj/vol19/iss1/3/>
- Bojnourdi, M. H. (1992). *Al-Qawa'id Al-Fiqhiyyah (Jurisprudential Rules)* (Vol. 2). Esmailian.
- Cullen, J. (1999). *Human Rights and Their History*. Nashr Ney.
- Dowlatsah, H. (2009). *The Charter of the United Nations*. Majd.
- Ghasemzadeh, S. M. (2011). *Obligations and Civil Liability Without Contract*. Mizan.
- Hosseinpour, P., & Sabernejad, A. (2015). *Freedom of Information in Cyberspace from the Perspective of International Law*. Majd.
- Katouzian, N. (2003). *Non-Contractual Obligations (Tort Liability), Civil Liability of Usurpation and Unjust Enrichment* (Vol. 2). University of Tehran Press.
- Maher Center News. (2022). <https://cert.ir/news>
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Al-Qawa'id Al-Fiqhiyyah (Jurisprudential Rules)*. Madreseh Imam Ali Ibn Abi Talib.
- Malakouti, R., & Savari, P. (2016). An Introduction to Civil Liability in Cyberspace. *Private Law Research Quarterly*, 4(15).
- Mohseni, F. (2010). *Privacy of Information: A Comparative Study in Imamiyyah Jurisprudence, Iranian Criminal Law, and U.S. Law*. Imam Sadiq University Press.
- Mousazadeh, R. (2009). *International Organizations*. Mizan.
- Nannakar, M. J. (2017). A Commentary on Article 78 of the Electronic Commerce Act.
<https://virgool.io/@mjnannakar>
- Razavi Fard, B., & Mousavi, S. N. (2016). Criminal Liability in Cyberspace Under Iranian Law. *Criminal Law Research Journal*, 5(16).
- Weaver, D. (2013). *Copyright Rules*. Nashr Mizan.
- Zamani, S. G., & Attar, S. (2016). Human Rights and the Right to Be Forgotten in the Era of Modern Information Technologies. *International Law Journal*(55).